مردم سالاری

حاکمیت حق مردم است

دوشنبه ۱۸ فروردین ۱۴۰۴ – ۸ شوال ۱۴۴۶ – ۷ آوریل ۲۰۲۵ – سال بیست وچهارم – شماره ۶۵۰۷ – ۱۲ صفحه – ۱۵۰۰۰ تومان

جزئیات پاسخ ایران به نامه ترامپ

صفحه۲

کتمان سفر مقام ارشد سیا به افغانستان

صفحه۱۱

بازی دوپهلوی آژانس در پرونده اتمی ایران ادامه دارد

گروسی یکی به نعل می‌زند، یکی به میخ

صفحه ۱۰

عکس: NPR

همه نگران فروپاشی اقتصادی جهان هستند

خشم عمومی علیه نظام تعرفه‌ای ترامپ

صفحه ۱۱

رفع مصادیق فساد با اجرای FATF داخلی

رئیس جمهور گفت: امروز با کمک ابزارها و روش‌های نوین متکی بر تکنولوژی‌های مدرن، این امکان وجود دارد که با تعریف عملیاتی کدپستی، کد ملی، کد کالا و اجرای برخی قوانین مثل ماده ۱۶۹ قانون مالیات‌های مکرر تا حد بسیار زیادی بستر وقوع فساد را از بین برد؛ ما اگر FATF داخلی را اجرا کنیم، بسیاری از مصادیق فساد بدون نیاز به حضور و رصد میدانی، صرفا با رصد داده‌ها و اطلاعات اصلاح و رفع خواهند شد. مسعود پزشکیان صبح یکشنبه...

صفحه۲

خشک‌ترین بهار ایران

بر اساس داده‌های سازمان هواشناسی، ایران در ماه جاری تا ۱۶ فروردین‌ماه، ۲۸.۱ درصد با کاهش بارش روبرو بوده و طی این مدت به‌طور میانگین ۱۴.۵ میلی‌متر بارش دریافت کرده این در حالیست که میانگین بلندمدت بارش کشوری در این بازه زمانی ۲۰.۲ میلیمتراست. بر اساس داده‌های سازمان هواشناسی طی هفت روز گذشته منتهی به ۱۶ فروردین‌ماه ۳.۹ میلیمتر بارش در این بازه زمانی دریافت شده که این میزان در بلندمدت ۷.۸ میلیمتر...

صفحه۴

تورم فصلی در زمستان رکورد زد

آخرین گزارش مرکز آمار ایران از تورم حاکی از آن است که تورم فصلی زمستان ۱۴۰۳ بیشترین سطح از تابستان سال ۱۴۰۲ را تجربه کرده است. مرکز آمار ایران در تازه‌ترین گزارش خود، پازل تورم در سال ۱۴۰۳ را تکمیل کرد. بر این اساس، نرخ تورم فصلی در زمستان سال ۱۴۰۳ به بیش از ۹ درصد رسیده که از تابستان ۱۴۰۲ تا کنون بالاترین سطح را تجربه کرده است. تورم مصرف‌کننده به افزایش مداوم سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات مورد استفاده...

صفحه۷

یادداشت

قوه قضائیه و جرائم خالص‌سازان علیه دولت

جهانگیر محمودی نژادیان

دستگاه قضایی ایران با اینکه با حضور آیت‌الله محسنی اژه‌ای توانسته تغییرات مثبتی در سازمان خویش ایجاد کند اما هنوز این گمان وجود دارد (که خصوصا در عرصه نخبگان سیاسی و مطبوعاتی) برای برخی راه خروج به اندازه سوراخ سوزن است و برای برخی دیگر شتر با بارش عبور می‌کند.

قطعا یکی از دلایل عدم استقبال برخی از مردم در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس همین شیوه قضایی است که البته جانبدارانه جلوه کرده است. لذا وظیفه دستگاه قضایی اعمال بی‌طرفانه قانون برای جلب اعتماد عمومی به ویژه در میان نخبگان سیاسی و مطبوعاتی است. فراموش نباید کرد که نخبگان سیاسی و مطبوعاتی توانایی ایجاد نشاط در عرصه انتخابات و همچنین حمایت از ارکان سه گانه نظام (قوای قضائیه، مجلس و دولت) را دارند، چنانچه می‌توانند یأس، ناامیدی و کاهش سرمایه اجتماعی را فراهم کنند، این تاثیرات مثبت یا منفی از سوی نخبگان سیاسی و مطبوعاتی به ویژه در هنگام اجرای عدالت یا عدم اجرای آن بیشتر می‌شود. روشن است که اگر اهمیت نشاط و حمایت مردم از ارکان نظام که بازوان رهبری و نظام هستند، برای قوه قضائیه امری جدی به شمار آید، دادستان‌ها را برای اجرای «قانون» بسیج نموده و اجازه نخواهد داد که برخی مانع اجرای «مصلحتی» که رهبری تشخیص داده، شوند. زیرا مقام معظم رهبری درباره موضوعات بین‌المللی و داخلی براساس تشخیص مصلحت به اتخاذ تصمیماتی می‌پردازد و ازجمله زمینه را برای پیروزی دکتر پزشکیان باتوجه به رأی و انتخاب واقعی، فراهم می‌نماید که قطعا ماموریت‌های ویژه‌ای را انجام دهد.

برخی از خواص گروه «خالص سازان» یا «پایداری‌چی‌ها» کوشش می‌کنند که مانع اجرای منویات رهبری شوند. این گروه که مقام معظم رهبری را به خویش اختصاص داده‌اند، تا بتوانند در این قالب دقیقا مانع اجرای منویات رهبری شوند و به فرمایش رهبری دیکتاتوری به وجود آورند و با دشمنان کشور ببندند. آنها دقیقا در راستای مخالفت با منویات رهبری گام زده و برای توجیه عمل خویش این تلقی را دامن می‌زنند که رهبری برای گرم کردن تنور انتخابات دکتر پزشکیان را نامزد ریاست جمهوری نمود، اما ناخواسته سررشته امور از دست معظم له خارج شد و در نتیجه دکتر پزشکیان رأی آورد.

آنها می‌گویند باید با همه توان خویش کوشش نماییم تا مانع اجرای سیاست‌های دولت شویم و با تمسک به هر وسیله و روشی این دولت را فلج کنیم. سیاستی کاملا ماکیاولیستی و بر پایه فریب و دروغ و البته شایعات و مطالب تحریف شده و سروته زده که با هدف تشویش اذهان عمومی برای شکست دولت منتشر می‌شود، شکستی که حقیقتا شکست رهبری است، ولی به نام حمایت از رهبری در میان عقبه ساده لوح مطرح می‌شود.

برخی اخیرا به خود اجازه داده که نسبت‌های ناروا چون منافق به ریاست جمهوری داده و کوشش می‌کنند مطالبی که مقام معظم رهبری به آن هشدار داده، یعنی دوقطبی‌سازی جامعه را عملا دامن بزنند. برای ریاست دانشمند قوه قضائیه روشن است که فلسفه مصلحت نظام و اصل مترقی ولایت مطلقه فقیه ایجاب می‌کند که رهبری بتواند روشی پراگماتیستی و عمل‌گرایانه برای نیل به اهداف نظام را پی بگیرد. در این راستا براساس مصلحت نظام، گاه دولتی از جناح چپ و گاه از جناح راست لازم است که همسو با تمایلات و رای واقعی مردم، سکان کشتی کشور را به عهده گیرد، تا مقاصد و مصالح مورد نظر رهبری اجرا شود. لذا این امر قابل قبول نیست که به این تلقی غلط دامن بزنیم که انتخابات پیوسته یکی از موانع و مشکلات و مصیبت‌های رهبری است و بسته به اینکه چه کسی نماینده مجلسین یا رئیس جمهور شود، مصیبت به وجود می‌آید یا برطرف می‌شود. این نگرش عوام فریبانه مشکلات و گرفتاری‌هایی برای نظام دولت مدرن جمهوری اسلامی فراهم می‌کند.

باید بر این نکته تاکید نمود که اصولا قرار نیست و نباید چنین باشد که ریاست جمهوری یا مجلس شورای اسلامی مخالف خواسته و روش مقام معظم رهبری شکل بگیرد. امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری، هر دو خواهان تعدد جناح‌ها در کشور بودند و هر دو تاکید فراوان بر رأی و انتخابات داشته و دارند. این تعدد جناح‌ها از ضرورت‌های دولت مدرن اسلامی و دموکراسی آنست. لذا ضمن اینکه غلط است که بگوییم وجود جناح‌ها و جامعه مدنی و احزاب و گروه‌ها فقط جنبه تزئینی برای گرم کردن «تنور انتخابات» یا توجیه سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای جهان، خصوصا کشورهای متخاصم دارند، همچنین نیز غلط است بگوییم که هرکس با هر گرایشی، حتی اگر مغایر با مصلحت نظام و منویات رهبری باشد می‌تواند و حق دارد که سمت‌های اصلی نظام را برعهده گیرد. حکمت غلط بودن «تزئینی» بودن انتخابات در این است که اگر باور کنیم انتخابات امری تزئینی است، یعنی اینکه بپذیریم برای تزئین به دست خود سیستمی به وجود آورده‌ایم که پیوسته موی دماغ رهبری بوده و برای معظم له مشکل آفرین است، چون باور کرده‌ایم که انتخابات در هندسه و منظومه فکری نظام امری زائد و تحمیلی غیر همخوان با ذات نظام اسلامی است و باید فقط برای اهداف تزئینی و گرم کردن تنور انتخابات و غیره به عنوان یک زائده تا وقت خاصی آن را تحمل کنیم. در حالی‌که این سخن خلاف حکمت بوده و از بی خردی ریشه می‌گیرد. چگونه امکان دارد با عنایت به اینکه ولی فقیه و رهبری اصل و محور نظام اسلامی است به دست خود به نام «تزئین» و «گرم کردن تنور انتخابات» غل و زنجیرهای سنگین به پای رهبری ببندد یا قانون اساسی بر آن تاکید کند.

هیچ انتخاباتی نباید و نشاید که خلاف خواست و مصلحتی که رهبری تشخیص می‌دهد شکل بگیرد. زیرا در دموکراسی اسلامی رهبری خود منتخب ملت توسط خبرگان نماینده مردم برای انجام وظایفی است که در قانون اساسی آمده است و در صورت از دست دادن شرایط و ویژگی‌ها باز وفق قانون اساسی توسط خبرگان ملت برکنار خواهد شد. لذا یک مقام تشریفاتی مانند پادشاه در برخی از کشورها نیست. زیرا وفق منطق دموکراسی‌ها هر فردی که انتخاب می‌شود برای انجام وظایف و رسالت‌هایی است که در قانون برای وی در نظر گرفته شده است. اما در قانون اساسی دموکراسی‌ها وقتی فردی بالاترین مقام حکومتی را به عهده می‌گیرد امکان ندارد که بخش‌های پائین‌تر به نحوی منصوب یا انتخاب شوند که مانع اجرای وظایف بالاترین مقام کشور شوند. اگر این اتفاق غیر معقول به وجود آید معنایش این است که قانون اساسی به نحوی تنظیم شده که اجرای مهم‌ترین وظایف نظام، توسط بالاترین مقام نظام غیرممکن یا اجرای آن بسیار سخت شود.

به وضوح روشن است که قانون اساسی ما حکیمانه و دقیق برای ایجاد یک سازمان موثر سیاسی به وجود آمده است. وفق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رهبری و وظایف سنگین آن در اصول ۲ و ۵ و ۵۷ و ۶۰ و ۹۱ و ۱۰۷ و ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۳ و ۱۳۱ و ۱۵۷ و ۱۷۵ و ۱۷۶ و ۱۷۷ معرفی شده که نباید در عمل هیچ قوه‌ای از قوای سه گانه از جمله دولت و ریاست جمهوری به نحوی بر مصادر کار و قدرت قرار گیرند که اسباب فلج و ناتوانی وی را در انجام وظایف فراهم کنند.

بنابراین براساس حق و توانایی رهبری برشورای نگهبان و مصادر امنیتی، افرادی باید تایید صلاحیت شوند که گذشته از تعلق آنان به جناح‌های چپ و راست، وجود آنان در صورت رأی آوردن مفید ومورد نیاز برای اجرای مصالح باشد. مصالحی که اجرای آن در مرتبه نخست برعهده رهبری است. رهبری وظیفه دارد وفق قانون کشور تکثر و خواست ملت را با توجه به دولت مدرن اسلامی که در قالب اصل ولایت مطلقه فقیه تبلور دارد در سیاست‌های خویش متبلور سازد و برخلاف عقیده برخی نباید استبداد و دیکتاتوری به خرج دهد. اما چون خود نیز وظایفی دارد که باید انجام شوند ازاین روی نمی‌تواند اجازه دهد که کسانی نامزد شده که با اجرای وظایفش زاویه اساسی دارند. بنابراین این روش نیز معقول و منطقی نیست.

لذا شرایطی را فراهم می‌کند که از یکسو جریانات سیاسی موافق نظام بتوانند برپایه تعداد رای دهندگان به صورت واقعی به قدرت برسند و از سوی دیگر ارنج را از طریق شورای نگهبان به گونه‌ای می‌ریزد که نامزدهای ریاست جمهوری مانع اجرای وظایفی که به عهده دارد، نشوند؛ یعنی باید به معنای واقعی کسی رای بیاورد که بیشترین پایگاه را در میان مردم دارد، مضافا اینکه فرد رئیس جمهور، مانع اجرای مسئولیت‌های رهبری نشود.

حتی رهبری این حق را دارد که براساس تمایلات و گرایش‌های مردم به گونه‌ای ارنج و نقشه افراد تایید صلاحیت شده توسط شورای نگهبان را پیاده کند، که فرد خاصی ازمیان آنان رأی بیاورد. لذا اگرما انتخابات‌های گذشته را ببینیم خواهیم دید که خصوصا از دوره احمدی‌نژاد به بعد این اتفاق افتاده است. چون اصولا بالاترین فرد نظام که سنگین‌ترین مسئولیت‌ها را برعهده دارد، حق دارد که کلیه مسئولین را منصوب سازد. البته بسیاری از افراد و گرایش‌های ضد دولت مدرن (یعنی ضد اصل ولایت مطلقه فقیه) باهمین توجیه و به گمان خویش که خدمت به نظام و رهبری می‌کنند، خواهان این هستند که مقام معظم رهبری مستقیما مسئولان کشور را منصوب کند و بساط انتخابات در کشور جمع شود.

یعنی می‌خواهند تا روش قاجاری و صفوی را در این مملکت اجرا کنند و کشور را دچار ارتجاع و عقب روی نمایند. اما اگر درک صحیح و منطقی از دولت مدرن وجود داشته باشد یا منافع خاصی در میان نباشد، این شیوه پیشنهاد نمی‌شود. چون خطرات بزرگی درپی دارد. با این توصیف اما تردیدی نیست که همچنان ضرورت همسویی منتخبین دولت و مجلس شورای اسلامی با رهبری امری حیاتی است وگرنه برآیند نیروهای سیاسی و قانونی کشور صفر یا زیر صفر است. این درست نیست که فردی رئیس‌جمهور و نماینده مجلس شود که در نظر و عمل با رهبری زاویه اساسی داشته باشد. از این‌رو باید گفت بهترین کار اجرای روش فوق است که از یکسو با توجه به گرایش‌های سیاسی در جامعه انتخاباتی واقعی صورت پذیرد و به معنای واقعی نمایندگان جریان‌های سیاسی (موافق نظام) در انتخابات شرکت کنند و از سوی دیگرچون مسئولیت کشور به عهده رهبری است، شایسته نیست که افرادی رئیس جمهور شوند که وجود آنان به مصلحت نظام نیست.

یعنی چیزی میان دومقوله «انتخاب» و «انتصاب» باید شکل گیرد. کاری که تقریبا همه دموکراسی‌ها انجام می‌هند تاازیکسو فلسفه دولت مدرن که وجود آن از هوا برای کشور ضروری‌تر است تحقق یابد وازسوی دیگرمنتخب مردم در تقابل با منویات ومصالح مقام معظم رهبری (که او نیز منتخب مردم برای انجام وظایف اصلی و مهمتری است) قرار نگیرد. لذا چنانچه این شیوه در انتخاب‌های پیشین و در دوره‌های قبل صورت گرفته، در انتخاب رئیس جمهور فعلی نیز صورت پذیرفت. چنانچه اگر نظر مقام معظم رهبری انتخاب دکترجلیلی یا دکتر قالیباف بود فقط یکی از آنان را نامزد می‌کرد. زیرا روشن بود که هیچ یک حاضر نیست به نفع دیگری کنار برود.

حتی به عقیده نگارنده، دکتر قالیباف به دستور مقام معظم رهبری نامزد شد تا مانع رأی آوردن دکتر جلیلی شود. زیرا جلیلی گرچه نیروی مفیدی از منظر مقام معظم رهبری شناخته می‌شود اما با توجه به مواضع داخلی و بین‌المللی که دارد مناسب ریاست جمهوری و مصلحت نظام به شمار نیامد. ضمن اینکه وی توانسته بر پایگاه اصلی رهبری (یعنی مومنان بسیجی وطلاب و...) سوار شود و مقابله مستقیم با ایشان به مصلحت نظام نبوده و کوشش رهبری بر این است که ایشان را در وضعیتی قرار ندهد که ناچار به مقابله با وی مانند احمدی‌نژاد شود.

با این توصیف روشن است که به دلیل و علت مصلحت نظام دکتر پزشکیان مورد نظر رهبری بوده (یعنی چیزی که ریاست محترم جمهوری بارها بر آن تاکید کرده و از جانب مقام معظم رهبری یا دفتر معظم له انکار نشده است.) اما برخی از متعصبان چشم را بسته و عزم را برای فلج کردن دولت پزشکیان جزم کرده‌اند. آنها به نشر اکاذیب و توهین و افترا نسبت به رئیس جمهوری و عناصر دولت وی پرداخته و از هیچ تهمت و بهتان و تحقیر و تشویش اذهان عمومی خودداری نمی‌کنند. بنابراین نمی‌توان به بهانه آزادی بیان مواردی که آشکارا در تضاد و تعارض با قوانین کشور است را نادیده انگاشت. از این‌رو برقوه قضائیه است که دادستان‌های (عمومی و ویژه روحانیت و...) را روانه مقابله با این عناصر نموده که از هرسوراخی سر در آورده و نسبت‌ها و بهتان‌های ناروا می‌دهند. این وظیفه خصوصا با توجه به ضرورت وفاق ملی در برابر رژیم صهیونیستی وآمریکا و برخی از کشورهای اروپایی و همسایگان و همچنین نفوذ عناصر دشمن در صفوف ملت، جنبه امنیتی و حساس یافته و وظیفه دادستان‌ها را دوچندان می‌کند. البته لازم به ذکر است که منظور نگارنده جلوگیری از نقدهای منطقی و دلسوزانه و مستدل نیست بلکه منظور این است که باید منتشرکنندگان بهتان و افترا و تحقیر دولت را به سوی نقدهای منطقی با مجازات‌های جدی هدایت نمود.

برای آغاز لازم است که دادستان کل کشور هشدارها و اخطارهای لازم را داده و ازمردم خواسته شود هرگونه اطلاع و اخبار و اسناد و شواهد لازم را برای دادستانی کل و دادستان‌های هرشهر ارسال کنند.

اکنون این گمان در میان مردم ریشه گرفته که هرگاه فردی ازجناح اصلاح‌طلب یا هرجناحی غیر از اصولگرایان سکان دولت را به دست بگیرد، قوه قضائیه نسبت به جرائمی که توسط گروه مخالف دولت صورت می‌گیرد و اقدام به نشر اکاذیب و افترا و تشویش اذهان عمومی می‌شود بی‌تفاوت است. این ذهنیت که مانع افزایش سرمایه اجتماعی نظام است باید زدوده شود که البته مسئولیت آن برعهده قوه قضائیه است.

یادداشت

وقتی قطب جنوب مهم‌تر از مجلس می‌شود

امیررضا اعتمادی

سکوت، انفعال، بی‌اعتنایی و در نهایت، سفر به قطب جنوب؛ شاید ترکیب این واژگان، تصویر دقیقی از عملکرد معاون پارلمانی سابق رئیس‌جمهور، شهرام دبیری باشد؛ شخصی که در بزنگاه‌هایی که دولت به دفاع نیاز داشت، غایب بود، و آنجا که نیاز به تعامل فعال با مجلس احساس می‌شد، خود را در حاشیه امن بی‌عملی پنهان کرد.

استیضاح اخیر وزیر اقتصاد و دارایی، دکتر عبدالناصر همتی، یکی از نقاط عطف دولت مسعود پزشکیان در ماه‌های ابتدایی مسئولیت بود. استیضاحی که با فراز و فرودهای فراوان و در نهایت با خروج وزیر از کابینه همراه شد. اما آنچه کمتر مورد توجه قرار گرفت، غیبت سنگین و عملکرد سرد معاون پارلمانی رئیس‌جمهور در این ماجرا بود.

در حالی که انتظار می‌رفت شهرام دبیری با رایزنی، اقناع و هماهنگی میان دولت و مجلس به دفاع از یکی از کلیدی‌ترین اعضای کابینه برخیزد، نه‌تنها صدایی از او شنیده نشد، بلکه برخی نمایندگان مجلس نیز آشکارا از عدم حضور مؤثر، ضعف در برقراری ارتباطات لازم، و بی‌برنامگی وی در مواجهه با چالش‌های پارلمانی گلایه‌مند بودند.

معاون پارلمانی رئیس‌جمهور باید سپر دولت در مجلس باشد. اما در میانه تندبادهای سیاسی اخیر، شهرام دبیری یا در صحنه نبود، یا اگر بود، اثرگذار نبود.

در شرایطی که وزرا و مدیران اقتصادی به دنبال ترمیم وجهه دولت و جلب نظر نمایندگان بودند، سکوت معاون پارلمانی نه‌تنها به معنای بی‌دفاع ماندن دولت در مجلس تعبیر شد، بلکه نشانه‌ای از ضعف عمیق در مدیریت تعاملات سیاسی بود.

اما این تنها فصل خاکستری عملکرد او نبود. در حالی که کشور با بحران‌های اقتصادی، نوسانات ارزی، نارضایتی عمومی و مشکلات معیشتی مواجه بود، انتشار خبر سفر نوروزی شهرام دبیری به قطب جنوب، موجی از واکنش‌ها را در پی داشت.

سفری که اگرچه ابتدا با واکنش‌هایی مبهم از سوی دفتر او روبه‌رو شد، اما سرانجام با تأیید ضمنی منابع دولتی، به‌عنوان یک خطای بزرگ در تشخیص زمان و جایگاه مسئولیت تلقی شد.

در شرایطی که حتی برخی وزرا از سفر نوروزی صرف‌نظر کرده بودند تا در کنار مردم باشند، معاون پارلمانی دولت ترجیح داد مسیر جنوبگان را پیش بگیرد، نه صحن علنی مجلس.

و در این میان، اقدام قاطع رئیس‌جمهور، مسعود پزشکیان، در برکناری شهرام دبیری، نه فقط یک تصمیم سازمانی، بلکه پیامی روشن به مدیران ارشد دولت بود: دوره تعارف و مماشات به پایان رسیده است.

این تصمیم، فارغ از اینکه در پاسخ به چه فشارها یا ارزیابی‌هایی اتخاذ شد، در افکار عمومی به‌عنوان نشانه‌ای از جسارت، اصلاح‌پذیری و عزم دولت برای بازسازی ارتباط با مردم و مجلس تلقی شد.

ادامه در صفحه ۳